

سلام دوستان وفادار سه کاف

این هم شماره ۲۵ سه کاف که تقدیم میشود.

خواهشمند است در رساندن مطالب سه کاف به هر تعداد که میتوانید، کوشا باشید.

=====

۱- موقعیت تازه

جمهوری اسلامی، از همان روزهای اول سرکار آمدن، میخواست ایران را ۱۴۰۰ سال به عقب برگرداند و ایران را به یک ولایت اسلامی تبدیل کند، درست عین طالبان در افغانستان، اما رشد افکار مدرن و تجدد خواه در یکصد سال گذشته، و آشنائی ایرانیان با مدرنیسم و جوامع پیشرفته، مانع از اینکار شد، با اینهمه آخوندها هیچوقت از این آرزوی خود دست برنداشته‌اند. اگر جمهوری اسلامی میتوانست و شرایط داخلی و خارجی اجازه میداد، ایران را کاملاً از جهان خارج جدا میکرد و آنوقت اهداف شوم خود را عملی مینمود، اما خوشبختانه این کار عملی نمی‌باشد.

با انتشار سه کاف، از یکطرف معلوم شد که سکس و مسائل حول و حوش آن یک معضل بزرگ جامعه ما و طرح درست آن یکی از عمده‌ترین خواسته‌های مردم ماست، و از طرف دیگر ثابت شد که این ضعیف‌ترین حلقه رژیم جمهوری اسلامی است و چه راحت میتوان رژیم را در این عرصه به چالش کشید. بی جهت نیست که

از همان ابتدای کار، تلاش ماموران رژیم برای اخلال در کار سه کاف شروع شد؛ از ارسال نامه‌های تهدید آمیز تا ارسال روزانه ویروس به ما گرفته تا تلاش برای تطمیع و یا بشکلی شناسائی ما. حیل‌های آنها بسیار متنوع و مختلف و گاه پیچیده بود، اما هیچکدام مثمر واقع نشدند، پس کمیته امنیت شبکه جمهوری اسلامی دست بکار شد تا سه کاف را "هک" کند و افرادی هم مامور اینکار شدند (اطلاع موثق داریم). اما کور خوانده بودند. ما پیشاپیش به این، فکر کرده بودیم. به همین دلیل از همان ابتدا تصمیم گرفتیم که برای سه کاف، به کمک دوست عزیز، یک سرور در یک کشور خارجی، در شرکتی که امنیت شبکه آن حتمی بود، تهیه کنیم. با اینکار حتی اگر هم جمهوری اسلامی پایگاه سه کاف را دستکاری میکرد، فو‌قش برای یکی چند ساعت میتوانست اینکار را بکند،

چون بلافاصله می‌توان با یک تماس با شرکت مربوطه و دادن کلمه رمز که قبلاً به آنها داده‌ایم، بلافاصله پایگاه سه کاف را بحالت اول درآوریم. (قبلاً این احتمال را به آنها داده بودیم) به همین دلیل از این نظر خیال ما راحت است. از این که بگذریم، ما از شناسایی شدن هم چندان واهمه نداریم، ما ایرانیان باید برای آزادی خود، ریسک کنیم، تلاش کنیم، حتی اگر خطرناک باشد، این رمز پیروزی ملت‌هاست. با دست روی دست گذاشتن و منتظر "گودو" نشستن کاری از پیش نمی‌رود.

وقتی "آقایون" استقبال از سه کاف و هرز رفتن آموزش‌های دو دهه‌ای خود در این مدت بسیار کوتاه را که دیدند و فهمیدند کاری برای تعطیل سه کاف پیش رو ندارند، به فیلتر کردن سه کاف دست زدند، اما حیل‌هاشان نگرفت، پس حالا میخواهند مردم را برای

سرپیچی از قوانین جمهوری اسلامی، مجازات کنند، جریمه میکنند، تلفن و اشتراک اینترنت را قطع میکنند، افراد را به دفتر خود میخوانند و آنها را تهدید میکنند و..... درباره ویدئوها، آنتن ها، سنگسار و.... هم اینکارها را کردند، اما اصرار بر ادامه کار و سرپیچی از قوانین الکی جمهوری اسلامی نشان داد که نمی توانند ملتی را برای همیشه دربند نگه دارند،

همه این کارها را ما ایرانیان خوب میشناسیم. پس تنها راه مقابله با این ترفند جدید جمهوری اسلامی همانا اصرار بر ادامه کار و شکستن دیوار تازه است. برای اینکار:

- مطالب و مقالات سه کاف بصورت پی دی اف، به یکسری از دوستان ارسال میشود.

- از دوستان و خوانندگان سه کاف میخواهیم که در صورت امکان مطالب سه کاف را کپی کرده و بین دوستان، همکلاسیها و.... پخش کنند.

- دارندگان سایتهای ایرانی، میتوانند هر مطلبی که بخواهند را از سه کاف گرفته و در پایگاه خود چاپ کنند (با ذکر منبع باشد، بهتر است- اما ما اصراری در اینکار نداریم.)

- از دوستان و بستگان خود در خارج بخواهید که مطالب سه کاف را با ای-میل برای شما ارسال کنند.

- دوستان سه کاف در رادیو تلویزیون، وزارت فرهنگ، شرکتهای اینترنت و.... تا حدالامکان و با هر وسیله ای که میتوانند، در کار فیلتر گذاشتن مسئولین اخلال ایجاد کنند.

- اگر هموطنانی در خارج که امکان مالی دارند، به تاسیس یک شرکت اینترنتی (سرور) خصوصی همت کنند و بتوانند، فضایی را برای علاقمندان داخلی به طرح مسائل جنسی، (بطور مجانی- یا با استفاده از تبلیغات) اختصاص دهند، کارشان فوق العاده خواهد بود.

- هر کسی که میتواند، دست بکار شود و یک پایگاه اینترنتی اطلاعات جنسی تاسیس کند.

- دیگر پایگاههای ایرانی بر روی اینترنت، احزاب، نیروها، شخصیتها و.... به طرح وسیع مسائل جنسی بپردازند.

- ما در فکر این هستیم که در آینده آدرس سه کاف را عوض کنیم و با حفظ اسم مجله، اما آدرس آن را بجای سه کاف (قابل شناسایی برای فیلترها) یک چیز عمومی انتخاب کنیم، مثلا (www.iran.com) یا یک چیز مشابه که فیلتر کردن آن آسان نباشد، و همزمان به طرح، فونت و شکل و شمایل سه کاف هم سروسامان دهیم. (اینکار زمان می برد.)

- از خوانندگان خود میخواهیم که با ارسال مطالب، اخبار، گزارش، مقالات و.... از دارندگان پایگاههای ایرانی مربوط به مسائل جنسی، حمایت کنند.

- کسانی که امکان و توانایی دارند، سایت سه کاف را با آدرس جدیدی روی شبکه قرار دهند (طوری که اسم سه کاف در آدرس نباشد، اما تمام مطالب سه کاف را آنجا بگذارند) و به ما خبر دهند تا به خوانندگان اطلاع دهیم.

این بهترین موقعیت برای گشودن یک جبهه جدید در مقابل تعلیمات غلط " آقایون"، به چالش کشاندن آنها و ایجاد یک جبهه جدید در برابر جمهوری اسلامی، تصفیه فرهنگ ایرانی از مزخرفات دست و پاگیر و تبدیل جنسیت به یک گفتار ملی و همگانی است. ما منتظر این موقعیت بودیم. سکوت و یا بی تفاوتی تک تک ما ایرانیان در اینباره،

فاجعه‌آمیز خواهد بود. در زیر این مطلب آمار ماهانه بازدید از سه کاف چاپ شده که نشان میدهد در ماه گذشته بیش از هشت میلیون بار از پایگاه سه کاف دیدن شده است.

۲ - آهای آقا پسر

از ه.

خیلی دوست داشتم حرف دلم بگم تو هم گوش کنی، فرقی نمی‌کنه
حالا بخون

من تو رو دوست دارم، من همه بدنتو دوست دارم، عاشقشم من، میلیمتر

به میلیمتر بدن لخت تو رو من می‌پرستم، چون دخترم

فکر نکن که فقط تو با دیدن بدن لخت من لذت می‌بری. حرچی تو لذت ببری

من دو برابر لذت می‌برم

دوست دارم وقتی با هم هستیم، لخت باشیم، همونجوری که اومدیم و می‌ریزم.

دوست دارم منو بغل کنی و هر کاری دلت خوست انجام بدی. من دوست دارم

خوش بو باشی، دوست دارم حرفای قشنگ بزنی، هرچی بگی خسته نمی‌شم،

من دوست دارم به من دست بزنی، منو لمس کنی، هر جا که دوست داری،

چون دوست دارم تو حال کنی، من از لذت بردن تو حال می‌کنم.

من کیرتو خیلی دوست دارم، اگه اسمشو بشنوم، کسم تاب تاب میکنه، اگه دست

بزدم، خمارش میشم، اگه تو کسم بره غش می‌کنم.

یه دنیا عشق.

من لباتو دوست دارم. زبری ته ریش نازنینت موقع بوسیدن و لیسیدنم، منو آب

میکنه، یعنی آبمو درمیاره. هیچ میدونی که کیر عشق میاره؟

ذهنیت من نسبت به کیرت خیلی بالاتر از اونیه که تو فکر میکنی، من حتی اگه اهل

سکس هم نباشم، حتی اگه اسمشو هم نیارم، حتی اگه مذهبی‌ترین هم باشم، مطمئن

باش با دیدن کیرت از این دنیا سفر میکنم، چون تو وجودمه.

اگه می‌بینی بعضی وقتا ازت دور میشم و جوابتو نمی‌دم، اما دلم با تو و کیرت دوست.

کیر عشق میاره. اگه نمی‌دونستی، حالا بدون که کیر عشق میاره.

من تشنه‌ام، تشنه کیر، حتی اگه اینو نگم، اما با دیدن کیر آتیش میگیرم.

اگه تو کیرتو به من بدی، حتی فقط یک نیم ساعت، هر چی بخوای بهت میدم، ولی اگه

جلو نیای، حتی حشری هم باشم، باز خودمو سرکوفت میزنم.

آخه تا کی باید از کنارت رد شم و تو کف کیرت خمار بمونم.

میدونم برا تو کس هم عشق میاره اما اثر کیر خیلی بیشتره.

شبا بدون تو کسمو جر میدم ولی فایده نداره، آخه کس من ساخته شده که کیر

تو رو بیلعه.

قبول کن که جربزه نداری اگه دل دل کنی.

اگه از مامور می‌ترسی، نگو نمی‌خوام، بگو یه تو سری خور به دنیا اومدم، بگو هنوز

خوشی ندیدم که بر اش بجنگم.
نگو نمی‌ذارن، بگو کمکشون میکنم که نذارن.
نگو نمی‌ترسم اما نمی‌خوام، بگو می‌خوام اما می‌ترسم.

=====

شعری از الف.

فرو می‌کرد در فرج ضعیفم
مثال چوب هر دم خرزهاش را
دلش می‌خواست می‌خوردم به آخر
تما کیر و حتی خایه‌اش را
چو از سوراخ کس او گشت خسته
برون آورد کیرش و به کون زد
به کونم چون فرو می‌کرد کیرش
دو چشمانم ز درد از جا برون زد
ز جیغ و داد و آه و التماسم
مطول گشت هر دم خرزهاش را
هر آن چه که فریادم فزون گشت
فرو می‌کرد او تا خایه‌اش تو
تمام جسم و جانم گشت خسته
به زیر نعل غول‌آسای آن مرد
کس و کون و لبه‌ایم شده زخم
زپاس شب به نور روز او کرد
دو پستانم بسان غوی مستی
که کیرش را میانش جا کرده
بمالد هر دم و بوسد سرش را
مرا از گردنم تا پای کرده
چو چشمم دید نور صبح دم را
نفسهایم دگر در آخرین بود
ولی او بی‌خیال از درد بنده
برایش کردن من بهترین بود
چو لخت گوشتی بر زیر آن مرد
کسم مانند یک دریاچه خون بود
چو گویم من ز درد کس و پستون
چه گویم من ز سوز مخرج کون.

۳ - سیستم آموزش در ایران

از م. م.

سیستم آموزشی در ایران از همان ابتدای دبستان، دیوار جنسیتی عظیمی را به کودکان تحمیل می‌کند. کودک هفت ساله‌ای که تا دیروز در مهد کودک‌ها و پارک‌ها با همسالانش خارج از نگاه جنسیتی بازی و تفریح میکرد، به ناگاه به جامعه‌ای پرتاب می‌شود که میان او و هر چه تا دیروز داشته، دیوار می‌کشد. کودک هفت ساله دبستانی که هوز بلوغ را تجربه نکرده تا بتواند، هنوز این تفکیک را درک نکرده، سردرگم باقی سالهای تحصیل را به یادگیری حریمها و روابط ممنوعه می‌گذراند.

سیستم آموزشی در تمام سالهای بعد فراموش میکند که زیر مجموعه‌های تحت سلطه‌اش ماهیت انسانی دارند؛ شعور، تفکر و احساس و بلوغ. جشن تکلیف ساده‌ای در نه سالگی دختران و یادآوری وظایف جدید در پانزده سالگی پسران، جوابگوی نیازهای جنسی دانش‌آموزانی نیست که در فضاهای آموزشی به بلوغ می‌رسند، و شاید اولین احساسات بلوغ را در مدرسه تجربه کنند.

سیستم آموزش تمام اینها را به فراموشی می‌سپارد و تنها بر خطابه‌های آموزشی‌اش تاکید می‌کند. احساسات جنسی، نیازهای جنسی، ارتباط جنسی و هرچه در این راستاست جز مفاهیم ممنوعه تلقی می‌شود. اما همین مفاهیم ممنوعه درست در جایی که سیستم اراده به تحمیل اندیشه‌هایش می‌کند، از حصار محدودیت خارج می‌شوند.

سال سوم دبیرستان، کتاب بینش اسلامی درسی با نام حفظ حریم در روابط زن و مرد دارد. در این درس، این مفاهیم و کلمات ممنوعه به راحتی مورد استفاده قرار می‌گیرند، حتی کلمات و مفاهیمی بیشتر از اینها، مثل: تحریک کردن، چشم چرانی، شهوت، جلب توجه و بسیار کلمات دیگر. دانش‌آموزان بیگانه با این مفاهیم (فرض بر پیروزی سیستم آموزش و اینکه دانش‌آموزان خودشان به یادگیری نیازهایشان نپرداخته‌اند) یکباره با دنیای جدیدی از کلمات مواجه میشوند. جالب اینجاست که این کلمات و آموزشها یکسره زنان را محکوم میکند و هرچه فساد در جامعه است از بدی عملکرد آنان می‌شمارد. درسی که هرچند سعی دارد نشان دهد در راستای تعالیم دینی است، اما کاملاً مغایر با اندیشه‌های الهی و تنها از دریچه نگاه مردسالارانه نگاشته شده است.

این درس زنان را به سایه بودن و گاه حتی سایه هم نبودن تشویق می‌کند. رابطه جنسی را که رابطه‌ای است دوجانبه، کاملاً تحت انحصار مردان نشان می‌دهند و زنان را تنها شیاطینی برای جلب توجه و تحریک مردان.

در جایی از این درس آمده: "از نظر اسلام روبرو شدن زنان و مردان تنها باید به موارد لازم و ضروری محدود شود و به بهانه حضور زن در اجتماع حالت اختلاط به خود نگیرد."

مگر حضور زن در جامعه بهانه است؟

فعالیت اجتماعی و استفاده از ظرفیتهای انسانی را چگونه بهانه می‌انگاریم؟

ایا به راستی نظر اسلام این چنین است؟

در زمان پیامبر زنانی مثل ام‌السلمه در غزوات شرکت نمی‌کردند؟ خدیجه همسر

پیامبر جز فعالین تجاری زمان خودش نبود؟

ایا شرکت ام‌السلمه در غزوات و خدیجه در تجارت لازم و ضروری بود؟ یا این زنان

بخاطر داشتن استعدادهای خاص فعالیتهای بیشتری هم داشته‌اند و یا در ساده‌ترین

حالت تنها علاقه به فعالیتهای اجتماعی داشته‌اند؟

در جایی دیگر درباره صحبت کردن زنان نوشته شده که زنان باید در صحبت

کردن خود دقت کنند تا موجب تحریک مردان نشوند. و در مرحله بعد راه رفتن

زنان که باید آرام و به گونه‌ای که موجب تحریک مردان نشود، باشد و پوشش زنان.

نگرش زن ستیز کتاب حتی رنگ لباس زنان را هم از یاد نمی‌برد و در حقیقت

زنان تشویق می‌شوند که تنها سایه‌ای باشند که حضورشان به چشم نیاید.

در جمله‌ای از درس آمده که: "مجموعه حرکات، طرز راه رفتن، لباس پوشیدن،

انتخاب رنگ لباس، لحن سخن گفتن و غیره باید به گونه‌ای باشد که موجب جلب

توجه مردان بیگانه و برانگیختن توجه آنها نشود."

این جملات نه تنها زن را زیر فشارهای جامعه مردسالار خرد می‌کند، که توهین

آشکاری به مردان نیز هست. مردان به موجوداتی تشبیه می‌شوند که حتی رنگ

لباس و یا راه رفتن زنان، آنها را تحریک می‌کند.

سیستم آموزشی فراموش میکند یا شاید نادیده می‌انگارد که دختران و پسران

هفده ساله‌ای که تحت آموزش چنین درسهایی قرار میگیرند، به حقیرترین

نوع اندیشه در باره جنس مخالف خود می‌رسند. اندیشه‌ای کاملاً مبتنی بر رابطه

جنسی. دختران تنها به مقبول مردان شدن می‌اندیشند و اینکه هر حرکتشان،

بیدارکننده امیال جنسی در مردان است و پسران به اینکه زنان فقط برای ارضای

جنسی مردان به دنیا آمده‌اند. چرا که هر حرکت ساده آنها میتواند موجب تحریک

جنسی مردان شود.

در بخش بعدی این درس به زنان آموزش داده می‌شود که چگونه در نظر مردان

عزیز و گرانبها شوند، جملاتی مثل: جمله‌ای از ویل دورانت: "زنان بطور تجربی

دریافته‌اند که دوست و دلبازی مایه طعن و تحقیر است. آنچه بجوئیم و نیابیم

عزیز و گرانبها می‌شود." به جمله دیگری از این کتاب دقت کنید: "احترام حقیقی

به یک زن از جانب یک مرد تنها زمانی امکان پذیر است که آن مرد به دیده آلوده در

او ننگرد."

سخن از اینکه احترام زنان به مردان چگونه بدست می‌آید و یا مردان چگونه در

نظر زنان عزیز و گرانبها می‌شوند نیست. زنان همچون اشیایی تحت تملک مردان

ممنون باش.

۵ - راه عبور از فیلتر

برای دوستانی که فعلاً مشکل خواندن سه کاف را دارند:

۱- استفاده از سایت آینه سه کاف: <http://members.shaw.ca/weblog/3k/>

در ضمن در آدرس زیر نحوه برپایی سایتهای آینه‌ای هم توضیح داده شده است:

<http://members.shaw.ca/weblog/3k/mirror.htm>

۲- استفاده از برنامه‌های ضد پروکسی.

این برنامه‌ها موسوم به " http tunnel " هستند، وبما کمک میکنند که از فیلتر عبور کنیم.

همچنین این برنامه‌ها بصورت رایگان بوده و میتوان بهترین آنها را روی کامپیوتر خود سوار کرد، فقط باید در جستجوگرها مثل www.google.com بدنبال آنها بگردید.

۳- استفاده از سایتهایی که میتوانند سایتهای فیلتر شده را باز کنند، مانند:

www.anonymizer.com و یا www.guardster.com

و یا www.noproxy.com

۴- میتوان وارد سایت گوگل شد و در سطر جستجوی آن آدرس کامل سه کاف را نوشت (<http://www.cekaf.com>) (توجه کنید که <http://> قبل از آدرس یادتان نرود.

۵- سرورهای فیلتر دار را تحریم کنید و از سرورهایهایی که فیلتر نمی کنند، استفاده نمائید.

۶- اگر باز هم مشکل داشتید، ما میتوانیم نسخه سه کاف را بصورت پی دی اف برایتان ارسال کنیم.

۶- با بیماری هپاتیت (یرقان) آشنا شویم

سه نوع ویروس هپاتیت وجود دارد، هپاتیت آ، ب. و ث.

نوع آ و ب هپاتیت معمولی تر است اما نوع آخری (ث) که

خطرناکتر از دو نوع اول می باشد، در اواخر دهه ۸۰ میلادی یعنی حدود ۱۴ سال پیش توسط دانشمندان شناخته شد.

هپاتیت کلا یک بیماری کبدی است که باعث آماس و تورم کبد شده و میتواند به مرگ هم منجر شود.

هپاتیت آ، معمولاً از طریق آب و غذا به افراد سرایت میکند، اما ویروس

هپاتیت ب. بیشتر از راههای مقاربت جنسی بدون کاپوت و یا استفاده از سرنگ‌های آلوده (و مشترک) در بین معتادان، سرایت می کند.

هیپاتیت دارای یک کمون چند هفته‌ای تا چند ماهه می‌باشد. وقتی فردی به هیپاتیت آلوده می‌شود، ممکن است حالت سرماخوردگی داشته و این عارضه از بین برود، اما فرد همچنان آلوده است و میتواند باعث آلودگی دیگران هم بشود. البته کسانی هم هستند که هیچگونه علائم اولیه از آلودگی به این ویروس را نشان نمی‌دهند.

درمان خاصی برای هیپاتیت وجود ندارد، جز استراحت کامل، غذاهای خوب و داروهای ضد آماس و التهاب. با اینهمه در حدود ده درصد از مبتلایان، بیماری آنها به یرقان مزمن تبدیل می‌شود.

ویروس هیپاتیت ث. که از دو نوع دیگر خطرناکتر است، از جمله از طریق خون، خالکوبی با وسایل آلوده شده، و سکس بدون کاندوم سرایت می‌کند. دلیل خطرناک‌تر بودن هیپاتیت ث. به این دلیل است که این ویروس همچون ویروس ایدز از قدرت مانور بیشتری در بدن برخوردار است.

همینجا جواب خیلی از سئوالات احتمالی دوستان را بدهیم که: لازمه اینکه فردی به ویروس هیپاتیت آلوده بشود، این است که شخص با یک فرد آلوده به این ویروس، از آن نوع تماسی داشته باشد که باعث انتقال ویروس میشود. مثلاً سکس بدون کاپوت، گرفتن خون، استفاده از مسواک و یا تیغ ریش تراشی طرف. ویروس هیپاتیت هم مثل ویروس ایدز هم مختص گروه و یا قشر خاصی نیست، هر کسی ممکن است در معرض بیماری یرقان قرار بگیرد.

احساس خستگی، اسهال، شکم درد، زرد شدن سفیدی چشم و یا پوست بدن، عدم اشتها، تب و احساس سرماخوردگی دراز مدت از جمله علائم این بیماری است.

همانطور که در بالا گفته شد، ممکن است در یک فرد آلوده، هیچکدام از این علائم بروز نکنند و یا خیلی خفیف، یا اینکه فقط یکی از این عوارض مشاهده شود. برای تشخیص بیماری، حتما باید به پزشک مراجعه کرد. با یک آزمایش ساده خون میتوان بیماری را تشخیص داد. البته هستند پزشکانی که بافت برداری یا همان (Biopsy) را برای انجام آزمایشات میکروسکوپی تجویز میکنند که کار نسبتاً ساده‌ای است (با سوزن ظریفی یک بافت کوچکی را از کبد جدا میکنند و آن را تحت آزمایش قرار می‌دهند).

بیش از هشتاد درصد افراد آلوده به هیپاتیت ث. دارای یرقان مزمن میشوند. این کار ممکن است تا ۲۰ - ۱۵ سال هم طول بکشد.

البته در بعضی از کشورها با یک سری معالجات پیشرفته توانسته‌اند که بیماران را معالجه کنند اما فقط تعداد بسیار محدودی و نه همه بیماران را.

با توجه به اهمیت کبد در بدن و سلامتی انسان، آنوقت تنها راه باقی مانده همانا پیوند کبد است.

بهترین، کم خطرترین و ساده‌ترین راه این است که همیشه سکس کم خطر را رعایت کنیم، یعنی از کاپوت استفاده کنیم، با اینکار هم خود را سالم نگه داشته‌ایم، هم شریک جنسی خود، و هم به مسئولیت اجتماعی خود در حفظ و مراقبت از بهداشت عمومی جامعه، عمل کرده‌ایم. آزادی و احساس مسئولیت لازم و ملزوم یکدیگرند.

چاپ نظرات خوانندگان در سه کاف به معنای رد و یا تأیید نظرات آنان نمی‌باشد بلکه با هدف ایجاد یک فضای گرم و صمیمی برای تبادل نظر خوانندگان است.

۷- دو نظر

نظر اول - مذهب و محدودیت (دو میم جدا نشدنی)

(از س. د.)

من سعی می‌کنم به مسائل جوری که هستند، بنگرم.

در اینجا می‌خواستم در باره موضوعی که احتمالاً از تیتراژ متوجه شده‌اید، در باره مذهب و نقش آن در زندگی (در واقع سیاه بختی) مردم ایران بگویم.

مطلب را با یک مثال از قرآن شروع میکنم تا آن دسته از خوانندگان مذهبی سه کاف متوجه شوند که کتاب روشنی بخش!!! آنها در واقع چیست.

۱- [اگر شما را بیم آن است که در کاریتیمان عدالت نورزید، از زنان هرچه شما را پسند

افتد، دو دو، یا سه سه، و چهار چهار به نکاح درآورید. (قرآن - سوره زنان)

اسلام به مردان حق می‌دهد که هر کسی را که دوست داشتند به عقد خود درآورند

ولی زنان چنین حقی را ندارند و این اولین حق زنان در اسلام است!!!!!!

۲- یکی دیگر از احترامات و شخصیت دادن به زن در اسلام را میتوان در تفسیری که

آخوند روشنفکر! علامه مجلسی از حال و روز پیامبر در جنگ ارائه می‌دهد، اینطور است

که [محمد با زنان خود در باره جنگ همفکری میکرد و هرچه آنان میگفتند برعکس

آن کار را انجام میداد] (از حلیله المتقین)

۳- [هر مسلمانی که ببیند که دو مرد با هم رابطه جنسی دارند این حق برای او ایجاد

میشود که هر دو آنها را به قتل برساند و جامعه را از وجود آنها پاک کند تا دیگران در امان

باشند]

۴- اسلام به زن مانند کالائی نگاه میکند که هیچ ارزش دیگری برای اجتماع به غیر از

ارضای هوسهای مرد ندارد و مردان صاحب این کالا هستند.

این را بیشتر برای آن کسانی نوشتم که قیافه روشنفکری گرفته و میگویند که ما مسلمان

واقعی هستیم و به کارهای جمهوری اسلامی کاری نداریم.
اما برای این دوستان عزیز باید اعلام دارم که مذهب از هر نوعش مخالف آزادی است،
آزادی همه جوره....آزادی فکری....آزادی بیان و عقیده....آزادی جنسی....و همه چیز.
اسلام یک رابطه مبتنی بر شناخت دوطرف را اصلاً محترم نشناخته و فقط میگوید "اگر
از کسی با یک نظر شرعی!!!! خوش آمد با هدایای فراوان به خواستگاری او بفرست"
(احتمالاً هدایا برای گول زدن طرف میباشد.)
خلاصه در جامعه ما فرهنگ غلطی حاکم است که خود مردم از بوجود آوردگان آن
هستند و در ماندگار شدن این عقاید عصر حجری مؤثرند.
ما باید بلند شده و یک انقلاب فرهنگی به همراه انقلاب سیاسی در جامعه بوجود آوریم تا
از وضع کنونی رهایی یابیم، چرا که چه اسلام و چه جمهوری اسلامی در محدود کردن
آزادی ما مؤثر است. ما باید دست مذهب را از زندگی خود بیرون ببریم.

=====

نظر دوم - هیچ جای اسلام مردسالاری وجود ندارد (از یک خواننده مسلمان)

باسمه تعالی

من شخصاً با صد در صد مطالب چاپ شده در نشریه شما موافق نیستم ولی یک اصل
برای خودم دارم که نظریات همه قابل احترام است. به همین دلیل خیلی از مطالب و
نظریات منابع مختلف و از جمله نشریه شما را میخوانم. در حین مطالعه، مطلبی تحت
عنوان "مذهب / ناموس و کج فکری ما" به نکاتی برخورددم که بر آن شدم تا این مطالب را
برای شما بنویسم.

من با این موضوع مخالف نیستم که عقاید بسیار نادرستی را تحت عنوان دین در موارد
مختلف بکار می بریم، اما مخالفین هستیم که اشخاصی که اطلاعات کاملی راجع به
دین ندارند، در این رابطه اظهار نظر کنند.

مسئله مهمی که اینجا لازم به تذکر میدانم، این است که مطالبی که به عنوان دین
اسلام به خورد مردم ما داده میشود با اسلام واقعی زمین تا آسمان تفاوت دارد. به
آسانی نمی توان با نگاه کردن به تنها بخشی از یک کتاب کامل (یک آیه از قرآن) راجع
به معنای آن اظهار نظر نمود.

هیچ جای اسلام مردسالاری وجود ندارد و تمام موارد توصیه شده تنها جهت محافظت
از زن به دلیل ضعف قدرت بدنی نسبت به مرد است و نه در جایی که خود زن تمایلی
به استفاده از این محافظت نداشته باشد. در اسلام زنان به اندازه مردان، نه بیشتر و نه
کمتر، حق دارند و این معنای کامل برابری است. ما در منابع تاریخی صدر اسلام

ماجراهای موثقی داریم که این موارد را اثبات میکنند، اما متأسفانه به دلیل منفعت، مصلحت و یا چیز دیگری که من اطلاع کاملی از آن ندارم، علمای دین در کشور ما بجای اسلام، چیز دستخوش تغییر شده‌ای را به ما تحویل می‌دهند که واقعاً فقط به درد عبادت کردن می‌خورد و نه استفاده در زندگی.

این اسلام یک دین کامل است که در تمام موارد زندگی، نا را به بهترین نحو رهنمون است و به تأکید همین دین، عقل انسان یک منبع کاملاً قابل قبول است و بسیار استفاده از عقل و فکر و ورزیده کردن آن توصیه شده است که همه اینها منافاتی با مفهوم کلی مطالبی که شما سعی به ترویج آن در این نشریه دارید، ندارد، بلکه تا حدودی بسیار هم موافق است، اما تا جایی که رقل سلیم حکم کند. بسیاری از تعالیم و محدودیتهای ذکر شده، تنها جهت جلوگیری از افراط و تفریط است که از مطالب شما چنین برمی‌آید که شما هم با آن مخالفید. در یک کلام عقل سلیم، حکم اسلام و حکم سلام، عقل سلیم است، پس دلیلی برای عدم استفاده از تعالیم دین اسلام (البته اسلام واقعی) در مسائل زندگی وجود ندارد. با تشکر فراوان - یک خواننده مسلمان.

==== چند نکته از سه کاف

در طول تمام تاریخ بشری، از هر مذهب و ایدئولوژی، انواع و اقسام برداشتها شده و میشود، گویا اصلاً در ذات اینگونه سیستمهای فکری است که چنین چیزی را باعث میشوند. برای نمونه چه در یهودیت، مسیحیت و چه در اسلام، می‌بینید که انواع و اقسام شعبه‌ها و دسته‌ها هست. علمای هر دسته و شعبه‌ای هم هر کدام برای خودش واقعاً یک فیلسوف است. مکاتب فکری دیگر هم همینطور هستند، مثلاً ببینید چقدر حزب و گروه و دسته هستند (در تمام کشورها) که خود را پیرو کمونیسم یا سوسیالیسم میدانند اما هر کدامشان یک چیز میگویند و برداشت خودش را درست و دیگر کمونیستها را بقول معروف رویونیست میدانند.

توی همین ایران خودمان، در همین بیست و چند سال اخیر نگاه کنید، ببینید که خود علمای مذهب حاکم هم با هم اختلاف نظر دارند. یا همین اختلاف قرائت از اسلام بین جبهه دوم خرداد و دیگران. این مسائل همیشه بوده و خواهد بود و نمی‌توان همچنان منتظر نشست تا همه مردم درست به همان برداشتی برسند که من نوعی دارم. از آن گذشته نمی‌توان این را هم درخواست کرد که همه مردم باید علامه و یا فیلسوف شوند. مردم کار خودشان را دارند.

به همین دلیل بحثهای موافقان و مخالفان (نمونه بالا) همیشه بوده و همینطور ادامه خواهد داشت. پس چاره چیست؟ خیلی ساده: پذیرش چند اصل کلی و عمل

کردن به آنها:

۱- بپذیریم که هر کسی حق دارد مذهب، فکر و برداشت خودش را از مسائل داشته باشد، هر چند که این برداشت ممکن است موافق برداشت ما نباشد. همچنین هر کسی میتواند به هر مذهبی که میخواهد، بپیوندد و یا مذهب خود را کنار بگذارد. این یک اصل پذیرفته شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

۲- با توجه به اینکه از نظر تاریخی، از ادیان، مذاهب و ایدئولوژیهای مختلف برداشتهای گوناگونی میشود و با توجه به اصل اعلامیه حقوق بشر که در بالا ذکر شد، پس بیائیم مذهب و ایدئولوژی را از حکومت و سیاست جدا کنیم. چون اگر حکومت مذهب و یا ایدئولوژی را قبول کنیم، تضمینی وجود ندارد که حاکمان، برداشت خود از مذهب را بر دیگران تحمیل می کنند، از این گذشته، تکلیف مردمی که دین و

مذهب دیگری دارند، چه میشود؟ (کسی نگوید در اینصورت باید حق آنها محترم شمرده شود- چون اصلاً عملی نیست. - یک دختر مسیحی به حجاب اعتقاد ندارد ولی در کشور ما مجبور است رعایت کند و.....)

۳- همانطور که ما از تجربه کشورهای پیشرفته تر از خودمان، در زمینه اینترنت، صنایع و غیره استفاده میکنیم، از تجربه آنها در ساختن دموکراسی هم استفاده ببریم. تجربه همه این کشورها نشان میدهد که دموکراسی و رعایت حقوق بشر، یک حکومت سکولار و عقلانی کردن حکومت (بجای مذهبی کردن آن) بهترین تضمین برای پرورش استعدادها و رشد یک کشور است. و همینطور اگر حکومت اشتباهی هم بکند، این اشتباه به حساب دین (و احیاناً بدبینی از آن) نوشته نخواهد شد،

میدانیم که ممکن است بعضی ها بگویند، ما یک کشور اسلامی هستیم. جواب این دوستان این است که کشورهای غربی هم مسیحی هستند، و اگر مسیحیت حاکم بود، (مثل قرون وسطی)، آنها امروز اینجایی که هستند، نمی بودند. ساختن دموکراسی مرادف بی دین شدن نیست. بلکه به معنای پذیرش این اصل است که دین یک مسئله شخصی و خصوصی است و فرد نباید تعالیم دین خود را به دیگران تحمیل کند. تازه افراد مذهبی در کشورهای دارای دموکراسی، از تعداد مذهبیون کشور ما کمتر هم نیستند.

۸- اعتراض به سه کاف

موقعی که تصمیم به انتشار سه کاف گرفتیم، حدس زدیم که تعداد زیادی به ما اعتراض کنند و خود را آماده دریافت کلی نامه های پر از فحش و ناسزا

کردیم، اما برخلاف تصور، با سیلی از نامه‌های حمایت و تشکر و اعلام آمادگی برای همکاری مواجه شدیم. بیش از هشت میلیون بار بازدید در یکماه از سه کاف، سیل نامه‌ها، مطالب و ... خود گویای نیاز شدید جامعه ما به طرح مسائل جنسی است. شاید باور نکنید، اما تعداد کل نامه‌های اعتراضی به سه کاف، در طول این شش ماه، فقط ۱۶ عدد بوده، که چهارتای آنها، بعد از انتشار شماره ۲۴ و در رابطه با عکس روی جلد مجله می‌باشند. با اینهمه، حق این دوستان معترض است که صدای آنها هم در سه کاف منعکس شود. به همین دلیل در زیر موارد اعتراض این دوستان را مطرح و سعی می‌کنیم به آنها جواب دهیم. قضاوت نهایی با خود خوانندگان است، از آن گذشته، وجود اختلاف نظر، یک امر طبیعی است و ما با جوابهای خود قصد قانع کردن این دوستان معترض را نداریم، بلکه می‌خواهیم نظرات خودمان را بیشتر توضیح دهیم.

۱ - محتوای چهار نامه اعتراضی در باره عکس شماره ۲۴ این بود که:

چرا در عکس روی جلد شماره ۲۴، طرف، نام مقدس ایران را روی کیر خودش نوشته؟ این یک توهین به ایران، همه ایرانیان و غرور ملی ما ایرانیان است. شما با اینکار حس ایرانی بودن را از جوانان می‌گیرید، کمی هم به مسائل ملی فکر کنید، ما از سه کاف چنین انتظاری نداشتیم.

جواب: فکر کنید که حمید (صاحب عکس روی جلد شماره ۲۴) یک دونده مشهور ایرانی بود و روی پیشانی یا رانهای خودش کلمه ایران را می‌نوشت، آنوقت آیا شما دوستان اعتراضی هم می‌کردید؟ مسلماً نه. پس چرا وقتی یک جوان با این تصور که دوره آزادی جنسی در ایران فرا رسیده، می‌آید و کلمه ایران را بر روی کیر خودش بعنوان یکی از سمبل‌های جنسیت می‌نویسد، اعتراض می‌کنید؟ آیا این به دلیل بد بودن سکس در ذهن نیست؟ آیا این به این دلیل نیست که ما وقتی با کسی دعوا می‌کنیم، می‌گوئیم "خواهرت را می‌گایم" یا "کیرم تو دهن" و امثال اینها؟ یعنی جنسیت، سکس، فرو بردن کیر در دهان و یا... را یک چیز زشت و منفی تلقی می‌کنیم (حتی بسیاری که ادعای مخالفت با جمهوری اسلامی را دارند هم چنین تفکراتی دارند). چرا نوشتن کلمه ایران بر روی پیشانی، سینه، ران، دست و... اشکالی ندارد ولی نوشتن آن روی کیر زشت است، به غرور ملی شما می‌خورد و.....

غرور ملی ما زمانی جریحه‌دار میشود که می‌شنویم یک جوان هموطن از روی ناچاری، نداشتن امنیت، بی‌آینده بودن و... مجبور به ترک خانواده و کشور خود میشود و به امید آزادی در سرزمین‌های دیگر، رنج غربت و دربدری را بر جان می‌خرد و از زادو بوم خود می‌گریزد تا بعداً در دریای اژه و یا خلیج فارس طعمه کوسه‌ها و امواج دریا شود. غرور

ما زمانی جریحه‌دار می‌شود که ببینیم ما مثل همه مردم دنیا نمی‌توانیم با کارتهای اعتباری از طریق اینترنت خرید کنیم، زمانی که وقتی در فرودگاهی پاسپورت ایرانی در دست ما می‌بینند، از ما انگشت‌نگاری می‌کنند، یا اصلاً به ما ویزا برای ورود به کشورهای دیگر را نمی‌دهند. چون میدانند که ایران یک کشور پناهنده خیز است. غرور ما زمانی جریحه‌دار می‌شود که مشتی آخوند عهدحجری بر کشور و سرزمین و زندگی ما مسلط میشوند و هرطور که میخواهند با ما رفتار میکنند و ما نیم قرن آنها را همچنان تحمل می‌کنیم و با همه مخالفتها با آنها، اما فلسفه تفکرات آنها درباره مسائل گوناگون از جمله سکس را ناآگاهانه و بدون تفکر وارد زندگی خود کرده و هرکدام از ماها یک آخوند میشویم. غرور ما زمانی جریحه‌دار می‌شود که پدری از شدت فقر مجبور به فروش دختر خود میشود، یا یکی از کلیه‌های خود را می‌فروشد تا نان کودکان خود را درآورد، غرور ایرانی ما زمانی جریحه‌دار میشود که

اعتراض دیگر: اینکار شما توطئه غرب است برای منحرف کردن ذهن جوانان؟
جواب: ما ایرانیها برای گریز از مسئولیت‌پذیری در شکل دهی سرنوشت خود همیشه آسانترین راه را انتخاب می‌کنیم یعنی بجای کنکاش در چراها و یافتن پاسخ، فوری از خود رفع تکلیف کرده و میگوئیم این توطئه است، حالا فرقی نمی‌کند که موضوع چی باشد. آیا دادن اطلاعات جنسی درست، منحرف کردن اذهان جوانان است یا آموزشهای غلط در مدارس؟ آیا ارائه اطلاعات صحیح جنسی و تشویق برابری زن و مرد در روابط جنسی توطئه است یا سکوت در اینباره و کمک به ادامه نادانستنی‌های جمعی ما ایرانیان؟ وانگهی اگر فکر میکنید این توطئه غرب است، در خود غرب این مسائل را خیلی بیشتر، مفصل‌تر و آموزش میدهند ولی آیا جوانان آنها منحرف شده‌اند؟ از علم و تکنیک کم آورده‌اند؟ نویسنده کم دارند؟ و

اعتراض دیگر از دوست دیگری بوده که در نامه محبت‌آمیز خود از ما گله می‌کند " که چرا شما لواط را که در قرآن بشدت با آن برخورد شده، یک امر عادی تلقی می‌کنید، اگر لوط یک چیز عادی بود، باید همه انسانها این احساس را می‌داشتند."

جواب: تجارب زندگی نشان داده که ما برای آزادی، دمکراسی، حقوق بشر، و ایجاد جامعه‌ای خالی از سرکوب و تحقیر و ظلم به انسانها، باید روابط جمعی و اجتماعی خود را عقلانی کنیم و برای حفظ احترام مذهب، آن را از وسیله‌شدن در دست دیگران بکوشیم. برای اینکار مذهب باید یک مسئله و اعتقاد شخصی و خصوصی هر فردی شود. و اجتماع و قوانین دنیوی براساس علم و منطق استوار باشند. علم میگوید که همه انسانها یک جور نمی‌اندیشند، یک جور غذا نمی‌خورند، یکجور

موسیقی گوش نمی دهند، یک جور سکس ندارند و..... علم همچین میگوید که سلیقه‌ها و گرایش‌های جنسی هم یکجور نیستند. پس اگر کسی میخواهد بر اساس آموزشهای دینی خودش، سلیقه و گرایش جنسی خودش را تنظیم کند، حرفی در آن نیست و قابل احترام، اما نمی‌توان با این بهانه، مسائل علمی را آموزش نداد یا از همه بخواهیم که براساس آموزشهای دینی این یا آن فرد زندگی و احساسات خود را تنظیم کنند. گرایش به همجنس همیشه و در همه جوامع بشری بوده و هست. این کاملاً طبیعی است و نباید همجنس خواهان را براساس قوانین غیر عقلانی سرکوب کرد. تازه مخالفت با همجنس خواهی یک قانون اسلامی نیست، اولین بار این مسئله در دین یهود مطرح شد و سپس به مسیحیت راه یافت و بعد به اسلام رسید، بی جهت نیست که یهودیان و مسیحیان متعصب هنوز هم با آزادی همجنس خواهان مخالف هستند اما جوامع غربی با عقلانی کردن روابط اجتماعی خود، هم حریم مذهب مسیحیت را محترم شمرده‌اند و هم آزادی انسانها از جمله همجنس خواهان را تضمین کرده‌اند. نه تنها آب از آب هم تکان نخورده که پیشرفت علم، دموکراسی، حقوق بشر و... در جوامع خود را هم تضمین کرده‌اند. ما ایرانیان برای در مسیر پیشرفت و ترقی قرار دادن کشور خود راهی جز این نداریم.

اعتراض: در "صیغه و دوم خردادی‌ها" به صیغه به عنوان یک معضل نگاه شده و در صورتی که به یک خانم شوهردار که خود فروشی کرده و شوهرش اطلاع ندارد، به عنوان یک فرهنگ معرفی می‌شود!! (سه کاف شماره ۱۴ و توضیح آن)

از طرفی سایت خود را علمی می‌کنید و به مسائل علمی و پزشکی پرداخته و اطلاعات بسیار مهم در رابطه با سکسولوژی می‌دهید.

در شماره‌ای دیگر به مسائل سیاسی پرداخته و موضوعات دیگری مطرح می‌شود؟! در داستانهای سکسی خود تا توانسته‌اید و یا نویسنده‌ها به هرج و مرج پرداخته شده و هرج و مرج اجتماعی که زمانی شما هم اگر دارای فرزند و یا همسر و یا خواهر و مادر باشید قطعاً نه خود را به جای شخصیت‌های داستانی می‌گذارید که ممکن است مادر و یا..... باشند که فقط صورت آنها فرق کرده است.

اگر چه نیاز ایجاد یک فرهنگ از دست دادن شعور اجتماعی و قربانی شدن خیلی از مسائل است ولی یک مرجع می‌تواند خود این آگاهی‌ها را بدهد، به عنوان مثال جدا کرده مقالات سکسی با مقالات سیاسی و اعتقادی و....

به نظر می‌رسد که هر کلام و هر نکته جا و مکان خاصی دارد. شما بعنوان یک سایت فارسی سکسی اقدام کنید بدون آموزش و یا مقالات سیاسی و غیره. مطمئناً طرفداران خود را

از دست نمی‌دهید.

ولی آشی که شما می‌پزید در سایتتان به قول دوست مریم خانم (در شماره آخر) به درد جلق زدن و یا حشری کردن افراد و مردم آشنا به اینترنت خواهد بود.

راستی یادم رفته بود می‌خواستم از شما سؤال کنم که شما هم کارشناس پزشکی دارید هم اجتماعی و هم حقوقی و روانشناس و سکس؟ بسیار جالب است به هر حال به شما توصیه می‌شود تا مطالبتان را جهت دار نمائید و از پراکنده‌گویی بپرهیزید و در مورد کلیه مسائل با یک کارشناس مجرب مسائل را مطرح کرده تا واقعاً بتوانید دردی از دردهای ایران عزیزمان را حل کنید. شما که اینهمه انرژی مصرف می‌کنید و چهار یا پنج میلیون نفر هم شما را بازدید می‌کنند! پس چه بهتر در راه درست بهره‌برداری شود.

جواب: در هر شماره سه کاف، فقط یک مطلب از آن گردانندگان مجله است و آنهم اولین مطلب هر شماره می‌باشد، بقیه مطالب را خود خوانندگان برای چاپ ارسال کرده‌اند. این را حتماً میدانید که انتشار نظرات مختلف بمعنای رد یا تأیید این نظرات نیست، بلکه جهت دامن زدن به بحثها و فرصت دادن به هر کسی که حرف و نظر خودش را مطرح کند. مقاله " صیغه و دوم خردادی‌ها" - سه کاف شماره ۱۴ را یکی از خوانندگان با نظرات نزدیک به نیروهای موسوم به "دوم خردادیها" برای ما ارسال کرده بود. در آن مقاله از صیغه دفاع شده بود. هر چند ما با مسئله‌ای بنام صیغه موافق نیستیم، اما با این وجود مقاله را چاپ کردیم.

درباره زن شوهر دار، ما به هیچوجه به خود اجازه نمی‌دهیم که درباره روابط خصوصی افراد نظر دهیم یا بدتر از آن درباره کار کسی قضاوت کنیم، ما تلاش میکنیم که دیگران را درک کنیم. زن (یا مردی) که پشت سر شریک زندگی خود به ایجاد رابطه با دیگران می‌پردازد، ممکن است دلائل خاص خود را داشته باشد، ما این را نه محکوم می‌کنیم و نه تأیید. مسائل بین زن و شوهری و همچنین جنسیت انسان در کل بسیار پیچیده‌تر از آن هستند که ما بخواهیم به خود حق دخالت در زندگی انسانها را بدهیم. تازه شرایط اجتماعی، فرهنگی را هم به این پیچیدگی اضافه کنید. به اعتقاد ما هر چه مسائل جنسی در جامعه شفاف‌تر شوند، ما یک قدم به حل این پیچیدگی نزدیکتر شده‌ایم.

در داستانهای سه کاف، هرج و مرج نیست. این داستانها با همه نواقصی که در عرصه داستان نویسی دارند، یا واقعی هستند یا فانتزی. و بیشتر در باره اعمال سکسی دو نفره (یا چند نفره) می‌باشند. یکی از کارکردهای اینگونه داستانها حشری کردن خواننده است. بله که طرف آنها را بخواند، حشری شود و جلق بزند یا اگر کسی داشته باشد با او یک سکس دیش انجام دهد. یکی دیگر از اهداف ما از چاپ داستانها، بخش آموزشی آنهاست. کس لیسیدن و یا کیر مکیدن یک بخش از اعمال سکسی است

اما خیلی از ما ایرانیان اینکار را کثیف، غیر مشروع و یا.... میدانیم، اصلاً خیلی از ماها نمی‌دانیم که میشود اینکارها را هم کرد. خواندن اینگونه داستانها به بهتر شدن کیفیت سکس مردم منجر میشود. هزاران نامه تشکرآمیز از جوانان و زن و شوهرها بدست ما رسیده که استفاده از تجربیات نویسندگان داستانها یک تحول کیفی در روابطشان ایجاد کرده است.

از اینها که بگذریم، ما نمی‌دانیم شما از هرج و مرج چه تعریفی دارید؟ اگر پسر و دختری با هم دوست باشند، دست در دست هم در خیابان راه بروند و حتی از هم لب بگیرند را ما هرج و مرج نمی‌نامیم. اما اینکه خانواده‌ها، در شب اول عروسی پشت در اتاق منتظر بنشینند تا آقا داماد دستمال خونین و باکره‌بودن عروس را نشان دهد، هرج و مرج و دخالت در زندگی عروس و داماد میدانیم. فشارهای فرهنگی و... بخصوص به دختران در عرصه ملی و کشوری که دیگر جای خود دارد. اینکه برادری، خواهرش را کتک بزند، در خانه حبس کند و یا بدتر از آن، او را بکشد، را هرج و مرج، بی قانونی و عقب‌ماندگی می‌دانیم.

اینکه ما در هر زمینه‌ای کارشناس باشیم، نه اینطور نیست. سه کاف اشکالات زیادی هم دارد، هیچ ادعایی هم نداریم. کارشناس هم نیستیم. ما فقط اطلاعات و آموزه‌های خودمان را با علاقمندان تقسیم می‌کنیم، همین. جهت‌دار کردن سه کاف زمانی میسر است که در کشور ما آزادی باشد و هر کس آزادانه حرف خودش را بزند، آنوقت با شما موافق خواهیم بود که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. اما همه مسائل ما ایرانیان امروز به هم گره خورده است.

پرداختن به سیاست در سه کاف را در سخنی با خوانندگان (شماره ۲۲ و ۱۸) توضیح داده‌ایم. اینجا هم اضافه کنیم که ما عمیقاً بر این اعتقادیم که با رژیم جمهوری اسلامی (چه مذهبی باشیم و چه نباشیم)، به آزادی جنسی نخواهیم رسید، و صادقانه این را به خوانندگان خود میگوئیم. کسی نمی‌تواند برای آزادی جنسی در ایران امروز تلاش کند اما چشم‌های خود را بر اعمال سرکوب‌کنندگان این آزادی ببندد. ما نمی‌خواهیم به خودمان و خوانندگان سه کاف دروغ بگوئیم.

مقبول بودن "آشی" که بقول شما، ما می‌پزیم، را تعداد دفعات بازدید از سه کاف نشان میدهد. هشت میلیون بار بازدید از سه کاف در ماه گذشته خود گویاتر از هر چیزی است.